

انگار در وانفسای کرونا، کارکنان خدماتی بیمارستان‌ها را نمی بینیم

بیمارت را به من بسپار

یوسف حیدری
گزارش نویسن

در روزهای وانفسای کرونا و سپاس همگانی مردم جهان از پزشکان و پرستاران، گویی زحمات یک قشر از کارکنان بیمارستان‌ها نادیده گرفته شد؛ قشری که بیش از همه در تماس با بیماران و در معرض خطر ابتلا هستند. درست حدس زدید، نیروهای خدماتی. آنها مسئول جابه‌جا کردن بیمار، تمیز کردن بستر او و جمع‌آوری زباله‌های عفونی هستند اما به اندازه پزشکان و پرستاران نمی‌توانند از وسایل حفاظت در برابر انتقال ویروس استفاده کنند و...

برادران روستایی ۲۶ سال است که در بخش خدماتی یکی از بیمارستان‌های تهران کار کرده‌اند. آنها در جریان شیوع کرونا می‌بایست به بیمارانی که نه همراهی می‌توانند داشته باشند و نه کسی به ملاقاتشان می‌آید، کمک کنند تا اینکه علی، یکی از دو برادر مبتلا شد و جان باخت. برادرش حمید با بغض و اشک و آه می‌گوید: «چند روز بود که حال نداشت و یکسره سرفه می‌کرد. خواهرش کردم سرکار نیاید و استراحت کند. گفت حمید جان چطور می‌توانم در خانه بمانم؟ با کسر حقوق و این وضع زندگی چه کنم؟ یکی دو روز بعد حالش خیلی بد شد و آزمایش داد که گفتند مبتلا شده. برادرم جانش را روی کار گذاشت.»

حمید در توصیف وضعیت کاری نیروهای خدماتی بیمارستان‌ها می‌گوید: «هر روز بیماران کرونایی را جابه‌جا می‌کنیم، لباس‌شان را عوض می‌کنیم، زباله‌ها را جمع می‌کنیم، دستشویی و راهرو و اتاق‌ها را نظافت می‌کنیم... بیماران وقتی نه همراهی دارند نه ملاقاتی همه کارها روی دوش ماست اما همین هم شیرینی خودش را دارد. بیماران اغلب به سختی نفس می‌کشند اما آدم از نگاه‌شان احساس می‌کند که دارند تشکر می‌کنند.»

حمید می‌گوید بعد از مرگ برادرش کار کردن برای او خیلی سخت‌تر است: «هر روز باهم سوار سرویس می‌شدیم و می‌آمدیم بیمارستان اما از هشت فروردین

«

دیگر تنها شدم... یک خانه کوچک اجاره کرده بود و می‌ترسید نتواند اجاره‌اش را سر ماه بدهد. همه بیماران بستری بخش کرونا با شنیدن خبر مرگ برادرم گریه می‌کردند. هنوز هم باور نمی‌کنم این بیماری برادرم را از من گرفت.»

در همان بیمارستانی که علی مبتلا شد و جان خود را از دست داد، مجتبی امامی یکی دیگر از نیروهای خدماتی هم کرونا گرفت اما خوشبختانه او جان سالم به در برد. مجتبی که معتقد است در این شرایط باید با دل و جان کار کرد، می‌گوید: «این ویروس با سرفه وعطسه در محیط پخش می‌شود و ما خدماتی‌ها بیشتر از بقیه در معرض ابتلا هستیم چون مدام با بیمار و محیط آلوده به ویروس سر و کار داریم. من هم این بیماری را گرفتم و سه هفته قرنطینه شدم که خوشبختانه حالم خوب شد و برگشتم سر کارم. اینجا کمبود نیرو داریم و من نمی‌توانستم برنگردم. از اواسط اسفند شرایط کار برای ما واقعا سخت شد. روزهایی که همه در خانه بودند، ما خدماتی‌ها کنار پزشکان و پرستاران باید حاضر می‌بودیم. همین حالا هم با دستکش و ماسک و لباس‌های مخصوص در بخش بیماران کرونا مشغول نظافت و جابه‌جایی بیماران و رسیدگی به آنها هستیم. در این بیمارستان، بیمارانی که نیاز به ارتوپدی دارند بستری می‌شوند و رسیدگی به بیماری که شکستگی لگن یا دست و پا دارد و به کرونا هم مبتلا شده خیلی سخت است. چند روز پیش بیمار ۴۷ ساله‌ای به خاطر شکستگی پا بستری شده بود اما دو روز بعد بر اثر ابتلا به کرونا فوت کرد.»

گاهی یک بیمار ممکن است بستر خود را کنیف کند آن هم در شرایطی که هیچ همراهی ندارد. پزشک یا پرستار برای لحظاتی بالای سر او حاضر می‌شوند و بعد از مشاهده علائم و نشانه‌ها یا تزریق یک سرم از اتاق بیرون می‌روند اما کار نیروهای خدماتی به این راحتی‌ها نیست. حالا خودتان حدس بزنید تا چه اندازه کار آنها در این شرایط می‌تواند انسانی و ارزشمند باشد.

مجید از خدماتی‌های بخش اورژانس یکی از

گاهی یک بیمار

ممکن است بستر

خود را کنیف کند

آن هم در شرایطی

که هیچ همراهی

ندارد. پزشک

یا پرستار برای

لحظاتی بالای سر

او حاضر می‌شوند

و بعد از مشاهده

علائم و نشانه‌ها

یا تزریق یک سرم

از اتاق بیرون

می‌روند اما کار

نیروهای خدماتی

به این راحتی‌ها

نیست

بیمارستان‌های جنوب تهران اما دل پری دارد از بی‌توجهی به نیروهای خدمات در این روزهای سخت. می‌گوید سختی کار برای آنها در نظر گرفته نمی‌شود و با توجه به اینکه بیشتر از کادر درمان با بیماران مبتلا به کرونا در تماس هستند تجهیزات لازم به آنها داده نمی‌شود: «واقعاً یادی از ما نمی‌شود و کسی به فکر ما نیست. همه کارهای بیمار با ما است از بردن و آوردنش به اتاق عمل و رادیولوژی و آزمایشگاه تا نظافت و خالی کردن لگن و تمیز کردن ملاقه و... این وظیفه ماست و من مشکلی با وظیفه‌ام ندارم اما لاقل طوری با ما رفتار کنند که حس کنیم به فکر ما هم هستند. خانواده‌های ما خیلی نگرانند. خود من مجبورم در هفته چند بار به پدرم که مسن و تنها و بیمار است سر بزنم و همیشه نگرانم که می‌ادا ناقل باشم. بیماران تصادفی که اغلب خونریزی دارند، به این بیمارستان منتقل می‌شوند و همه کارهای آنها با ما است. باور کنید چند بار شده بیمار را از این بخش به آن بخش برده‌ایم، بستری کردیم و کارهایش را انجام داده‌ایم و تازه بعد از دو روز گفته‌اند کرونا هم داشته.»

از این‌که بگذریم پرسنل دیگری هم در بیمارستان‌ها هستند که در معرض بیماری‌اند و البته گاهی بیش از

همه. محمد محمودی را د ۲۱ سال است که در انتظامات یکی از بیمارستان‌های تخصصی قلب و ریه تهران کار می‌کند. او از ۶ ماه قبل هم در انتظامات بخش عفونی این بیمارستان مشغول به کار شده است. او هم مثل خیلی از پرسنل بیمارستان‌ها به کرونا مبتلا شد و بعد از قرنطینه و بهبودی دوباره به محل کارش برگشت. محمد می‌گوید: «با توجه به اینکه بیماران مبتلا به سل در این بخش بستری می‌شوند همیشه با همراهان مشکل دارم چون بیمار مبتلا به سل ممنوع الملاقات است اما خیلی‌ها اصلاً توجهی به این قوانین ندارند. الان هم کسی حق ندارد بیمار کرونایی را ملاقات کند ولی تردد خیلی زیاد است و خیلی‌ها با خواهرش و تمنا می‌خواهند هرطور شده چند دقیقه به بیمارشان سر بزنند. هر دقیقه باید سر و کله بزنیم. از آن طرف هم خیلی از همراهان بیمار ناقل هستند و خودشان هم اطلاعی ندارند برای همین من هم مبتلا شدم. حالا خوشبختانه من شانس آوردم ولی کس دیگری ممکن است مثل من شانس نیابد.»

او درباره بیماری‌اش می‌گوید: «در طول مدتی که در خانه قرنطینه بودم، دوبار تست دادم ولی هر دوبار مثبت بود. متأسفانه در طول قرنطینه من، خانواده‌ام هم مبتلا

شدند ولی خدا را شکر وضعیت‌شان وخیم نشد. الان هم می‌گویند اگر کسی کرونا بگیرد دوباره مبتلا نمی‌شود اما با این حجم مراجعه‌کننده بعید نیست دوباره مبتلا شوم. الان از نظر من هرکسی که اینجا می‌آید چه بیمار چه غیر بیمار، می‌تواند مبتلا و ناقل باشد، به همین خاطر از همه می‌خواهم یک متر فاصله بگیرند. کار ما خیلی سخت است. امیدواریم بتوانیم این خط مقدم را حفظ کنیم.» وضعیت آشنیزها و کارکنان آشپزخانه‌های بیمارستان‌ها هم این روزها بهتر از خدماتی‌ها و انتظاماتی‌ها نیست. این را هادی یکی از آشپزهای بیمارستانی در قزوین می‌گوید: «با دستکش نایلونی و با ترس و لرز ظرف غذای بیماران را می‌شویم و هر وعده خودم برای‌شان غذا می‌برم. بعد هم با ترس و لرز به خانه برمی‌گردم.» هادی ماهانه یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرد و در جایی که کار می‌کند، چندان خبری از وسایل حفاظتی نیست مگر اینکه پرستارها هوای او و همکارانش را داشته باشند و ماسک یا دستکشی بپایش کنار بگذارند: «به ما می‌گویند نگران نباشید اما خودم حس می‌کنم در نوبت کرونا هستم و همین امروز و فرداست که مبتلا شوم.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۳۶۱

		۹	۴					
	۲		۹	۶	۵			۴
	۶							
					۸			
۹		۲				۷		۸
	۱		۹					
				۸			۳	۵
							۳	

		۹		۳		۱		
				۴			۳	۶
	۱							۵
	۸	۷		۴				
۹		۵	۶		۸			۳
			۷			۲	۸	
	۸						۶	
	۴	۲			۱			
			۵					۲

		۶				۳	۴	۲
	۴	۲	۱					۵
	۵		۹					
		۱			۷		۵	۶
۲								
							۲	۳
	۴	۵		۹				
		۷	۲	۸				۹

		۵		۳		۱		
	۷			۹	۵			
	۶		۱				۷	
				۲	۸			
		۱	۸			۳	۵	
							۳	۵
۲		۴						۹
			۸		۲			۶

۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۱	۸	۳	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱
۳	۸	۴	۷	۳	۱	۸	۴	۱	۵	۴	۷	۳	۳	۱	۸	۴	۱

▲ افقی:

جدول عادی

۱- خشمگین- فرآیندی در ساخت محصولاتصنعتی

۲- سرزمین- مسیحی- هافیک«پرسپولیس»

۳- نوع‌ها- یکی از نظرات مهم‌روز دفاع‌پایان‌نامه- واجب

۴- میان‌برنامه‌تئویزیونی- افشاگری- نقاش- گلشن

۵- خط‌کش مهندسی- زیرکی وهوشیاری- یک‌درصد کل وزن بدن را تشکیل می‌دهد

۶- کاشف قانون جاذبه- فیلمی از «راما قویدل»-

۷- گنجور افسانه‌ای- نوشتن کتاب تحقیقی- برنج شوشری

۸- زنگ بزرگ- کاسه درویش- سال نجومی

۹- قبیله قوم‌هود- شهرنفت خیز عراق- موردشک

۱۰- فوت و فن- مدرن- آن‌که راه و طریقه‌ای تازه برای اجرای امری می‌یابد

۱۱- گروه محافظ- پنهان کردن- لبه‌شمشیر

۱۲- خسیس- وسیله ذوب لجم- مرطوب- جوهر آدمی

۱۳- مستمری- مرمر- رهبرهون‌ها

۱۴- آگاهی داشتن- مرغ‌مقلد- مردن

۱۵- خساست- سس‌سالادالویه

▼ عمودی:

۱- دشمنی- کنایه از بیرخاستن وسربرافراشتن

۲- برق‌وصاف- ساکت- شهر«ژاپن»

۳- عضوشنای ماهی- سرده‌ای از درختان همیشه سبز و سوزنی برگ- جسورویی پروا

۴- عقاید- میوه کرکی- بی‌رمق ندارد- میان

۵- هزارهزار- آتشدان آهنگری- تفاله کنجد

۶- هنوز انگلیسی- واحد توان- راهروپاریک

۷- مردود- آنکه رسم ورسومی را ازبین ببرد- بستنی یخی که چوب‌داشته‌باشد

۸- ضرر- سازمان اقتصادی منطقه‌ای- فینال، آخرین

۹- اینگونه هم‌برنده‌نیاست- خوراک ایرانی- خودم!

۱۰- نقاش ایالتیای عهد رنسانس- عدد آسمان‌ها- خادم قوم

۱۱- گشاده- جایی که سقف‌داشته‌باشد- الهه آبهای روان

۱۲- سوره‌بیست وهفتم- نرخ بازاری- هدف‌تیر- نقیض پر

۱۳- یکی از هنرهای تزکیبی- گلی زینتی و رنگارنگ-

۱۴- واحد وزن

۱۵- مراد- روزهای برفی قدروقیمت‌پیدامی‌کند- راهرو

▲ افقی:

جدول ویژه

۱- مکتب هنر برای هنر- فیلم «چاد استاسکی»

۲- ابراز دروینجره- محل اکرویات- شجاع، قهرمان

۳- پادشاه هون‌ها- اکنون- روستایی بسیار زیبا و تاریخی در مرکز مثلث جلگه مرکزی گیلان

۴- بازگرایفا می‌کند- بی‌همار- خوشگل- قبیله صدر اسلام

۵- صوت تعجب‌بانو- گلو- یکی ازطیور

۶- لباسی زنانه- قابل دیدن- شبر روستایی

۷-۶ کیلومتر- حمل‌ونقل هوایی- یقه‌آهارزده

@iranreportdesk

iranreportdesk@icpi.ir

ایران



ان